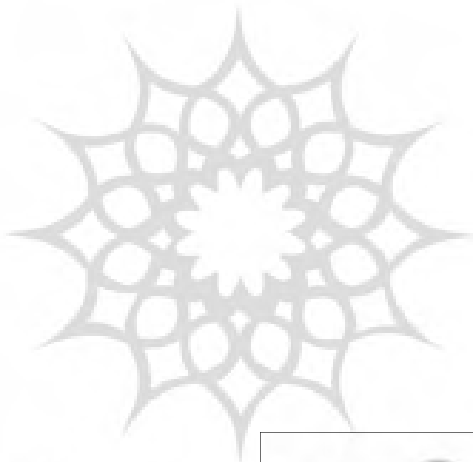


# پسری که همه چیز را جور دیگری می بیند!

مسعود مجاوری آگاه



سنی و مطالعات فرهنگی

عنوان کتاب: ترانه‌های نی نی عینکی (مجموعه ۳ جلدی)  
شاعر: محمد کاظم مزینانی  
تصویرگری: علی مفاخری  
ناشر: افق - کتاب‌های فندق  
نوبت چاپ: اول، ۱۳۸۶  
شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه  
تعداد صفحات: ۵۴ صفحه  
بها: ۳۵۰۰ تومان

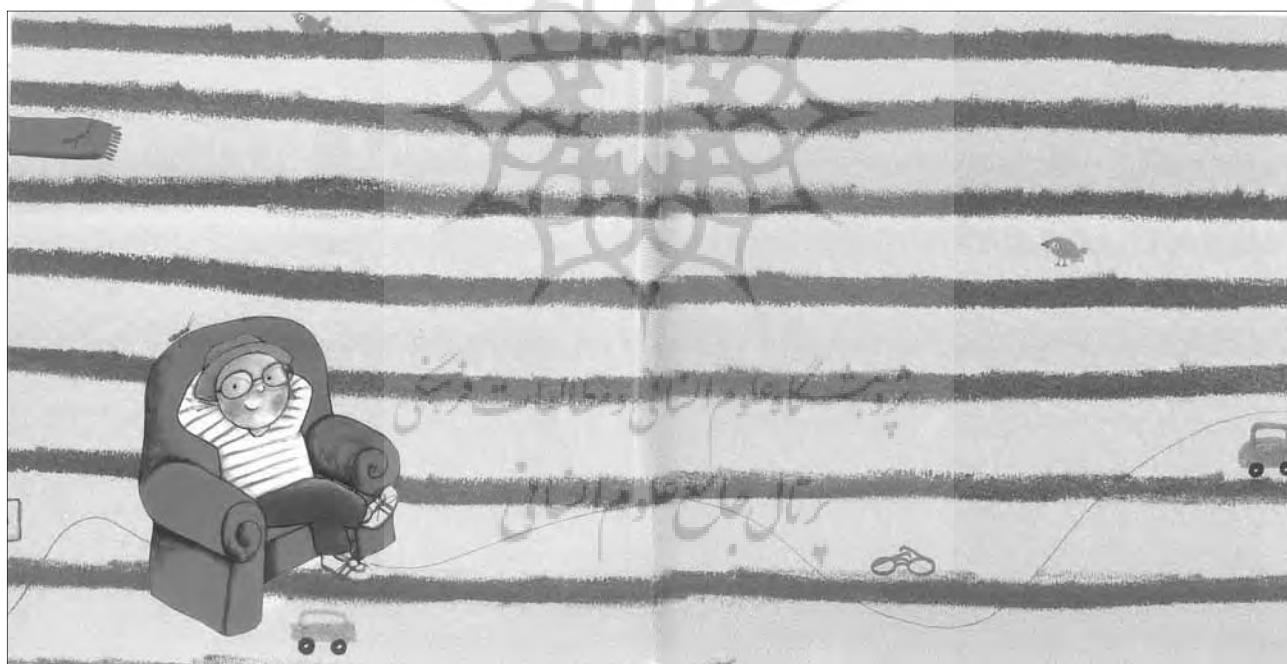


کتاب حاضر، مجموعه‌ای است ۳ جلدی، سروده محمد کاظم مزینانی، با تصویرگری علی مفاخری برای گروه سنی «الف» و «ب» که به همت نشر افق به چاپ رسیده است. قطع کتاب خشتی است. تصاویر روی جلد کتاب، نقطه آغازین خوبی برای بررسی تصاویر این مجموعه است. سه قسمت ترکیبی که در هر کدام شخصیت اصلی، یعنی عینکی، با اندازه‌های مشخص در کنار عناصر دیگر روایتی را به تصویر کشیده است. نکته حائز اهمیت در طراحی جلد، استفاده از رنگ‌های شاد برای گروه سنی «الف» و «ب» است که نمایش درستی از برخورد تصویرگر را نشان می‌دهد. هر کدام از این سه قسمت، یکی از جلد‌های سروده شده را به خود اختصاص داده است.

در صفحه آستر کتاب (تصویر ۱)، با تصویری دو لت روبه‌روییم که خطوطی افقی چشم را از لت راست، به لت چپ می‌برند و شخصیت اصلی، یعنی عینکی، روی مبلی لم داده و دستانش را پشت سرش قرار داده است. شاید ابتدا بد نباشد برای خوانش تصویرگری این اثر و پیدا کردن لایه‌های تصویری، نقاط مثبت یا منفی اثر، به نقش تصویرگر در برخورد با موضوع اشاره‌ای بشود.

تصویرگر بعد از گرفتن سفارش، با نوعی از ادبیات (شعر) روبه‌روست و از آن‌جا که مخاطب تصویرگر کودک است، درک مفاهیم تصویری، لذت بردن از زبان نظم، شناخت مفاهیم با درک از شخصیت‌ها، از جمله ارزش‌هایی است که تصویرگر باید مد نظر قرار دهد و به واسطه دانش مخاطب‌شناسی، سازمان‌دهی یک اثر تصویری را بر اساس درک کودک از هستی، شناخت ابزار و وسایل، تعریف و تنظیم کند. یکی از عواملی که می‌تواند کودک را به تشویق درک مفاهیم و معانی از ابزار و وسایل مورد نظر شاعر برساند، طراحی و برخورد تصویری درست از طرف تصویرگر است تا کودک در مقابل کاربرد واژه‌ها و تصاویر، دچار دوگانگی نگردد. جنس طراحی باید طوری باشد که کودک بر اساس استدلال خویش، بتواند در برابر طراحی جواب قانع‌کننده‌ای برای سؤالات خویش بیابد. تصویرگر در پدید آوردن عناصری ساده، اما اثرگذار در طراحی خویش، باید به تخیل کودک اهمیت ویژه‌ای بدهد و بتواند در تبدیل واژگان به تصاویر، اهداف شاعر را با توجه به موضوع مطرح شده، در ذهن خویش تحلیل کند و سپس به انتخاب فرم و طراحی برای شعر دست بزند. از آن‌جا که همه ابزار و عناصر شعری زیرمجموع واژه قرار می‌گیرند، اگر الفاظ و واژه‌ها آشنا باشد و همنشین، شعر ایجاد می‌شود و چون هدف بزرگ تصویرگر، ارتباط بین دنیای شاعر و مخاطب است، ممکن است تعداد واژه‌ها بیش از اندازه باشد که باید تصویرگر، با توجه به انتخاب صحیح تعدادی از واژگان، کادری فعال در عین پیام‌رسانی صحیح را تقدیم مخاطب کند.

هم‌چنان که شعر شاعر به درک نیازهای درونی و بیرونی کودک می‌پردازد، تصاویر نیز باید در راستای همین هدف قرار گیرد و چون شعر کلام مخیل است، شاید در بعضی از کادرهای تصویری، به خیال‌پردازی توسط تصویرگر نیازی نباشد.



تصویر ۱

### جلد اول: عینکی توی خونه، نمی‌گیره بهونه

در جلد اول کتاب، با موضوع «عینکی توی خونه، نمی‌گیره بهونه»، دو فریم اول و دوم که روبه‌روی هم به تصویر کشیده شده (تصویر ۲)، شخصیت اصلی در شعر معرفی شده. تصویرگر، شخصیت اول، یعنی عینکی را در حالتی معلق و بسیار بازیگوش نشان می‌دهد و عناصری چون درخت، پرند، ماشین، زرافه، مرغ، گربه و مورچه در کادر تصویر دیده می‌شوند. چیزی که از کلام شاعر برمی‌آید، توضیحی از مجموعه حالات و رفتار و سؤالات شخصیت اصلی یا عینکی است، اما چیزی که به تصویر کشیده شده، می‌تواند بخشی از دنیا وسیع‌تری از زندگی عینکی باشد؛ استفاده از عناصری که در کلام شاعر نیست و وجود خارجی ندارد.



تصویر ۲

تعداد عناصر دیداری در این دو صفحه روبه‌روی هم زیاد است، اما تصویرگر می‌کوشد با ارتباط رنگی بین عناصر و استفاده از پیوند خطوط طرح، فضای به هم پیوسته‌ای را از دست راست لت اول، به سمت چپ لت دوم بکشد. در این دو صفحه، سفیدخوانی زیادی در نظر گرفته شده، ولی استفاده از رنگ‌های متعدد در نوشته‌ها درست نیست؛ زیرا عناصر زیادی در کادر وجود دارد که دارای رنگ یا کروماتیک هستند. طراح کرافیک یا صفحه‌آرا می‌توانست یک رنگ ثابت را برای فونت‌ها در نظر بگیرد. فونت‌ها به صورت چهار سطری و پلکانی چیده شده‌اند.

در فریم دوم (تصویر ۳)، با موضوع «مامان بزرگ مامان» که توضیحی از آمدن مادر بزرگ با قطار و توضیحی از حال و احوال اوست در لت راست درخت و کیفی دیده می‌شود و پرنده‌ای که شاید نمادی از رسیدن پیام و نشانی از آمدن مسافری باشد. عناصر با فرم‌هایی روان در هر دو صفحه طراحی شده‌اند و اما در لت چپ، تصویری از مادر بزرگ و عینکی دیده می‌شود که عینکی زیر چادر مادر بزرگ قایم شده است. همچنین با ریتم نامتناوبی از حرکات مورچگانی که روی چادر مادر بزرگ راه می‌روند، روبه‌رو هستیم. از سویی، قطاری که با حرکتی منحنی، با توجه به فرم چادر مادر بزرگ طراحی شده، عنصری است که توصیفی از سفر را برای کودک باورپذیر می‌کند. شیطنتهای تصویرگر در کادر، مانند قرار دادن عینک روی درخت یا گذاشتن گربه روی قطار، شاید برای مخاطب سؤال برانگیز باشد. تعلیقی در فریم دیده می‌شود که احتمالاً عمدی است و تصویرگر کوشیده تصاویر، به صورت داستانی تلقی نشوند.

تصویر ۳





تصویر ۴

از فریم سه (تصویر ۴)، با تصویری از آسمان روبه‌رو می‌شویم که در آن دری وجود دارد و عینکی در داخل در دیده می‌شود. شاعر در عین روانی کلام، مقاصدی آموزشی را مد نظر قرار داده است و می‌خواهد تخیل کودک را بارور کند. اما آیا تصاویر در راستای این هدف حرکت می‌کنند؟ سؤال این‌جاست که قرار دادن شخصیت اصلی در آسمان یا قرار دادن فرم‌هایی مانند ستاره در درخت، می‌تواند آموزش درستی برای مخاطب اثر باشند یا خیر؟ در حین دو فریم، رنگ آبی به اشباع دیده می‌شود که آسمان، درخت، ماشین و لباس عینکی را بر خود اختصاص داده است. تصویرگر با عناصری مانند شال‌گردن نارنجی عینکی و قرار دادن دیتیلی از زرافه زردرنگ، صفحه را کنترل می‌کند.

تصویر ۵



در دو فریم بعدی (تصویر ۵) (با موضوع «من چرا کیف ندارم») روبه‌روی هم، شاعر عنصر کیف را اصلی‌ترین بهانه سرودن قرار داده است و رفتن به مدرسه، هم‌چنین، کیسه کانگرو را برای تأیید و تکمیل شعر خویش به تشبیه کشیده، اما تصویرگر اثر، ارتباط بین شعر و مفاهیم کلامی در شعر را به تصویر نمی‌کشد، بلکه بخشی از تصویرسازی او، قرار دادن عناصری است مانند زرافه و ماشین و درخت که در تمامی فریم‌ها تکرار شده و در این فریم، هیچ کمکی به ذهن مخاطب اثر نمی‌کند. در عین حال، در طراحی عینکی و گربه، ما با نقطه عطف کار تصویرگر روبه‌رویم. کتاب‌ها در جیب لباس عینکی و ماهی‌ها در کیسه‌ای قرار دارند که روی بدن گربه است و هم‌چنین زرافه و درخت را می‌بینیم. کیسه روی بدن گربه، تمثیلی از کیسه کانگرو است. رنگ‌ها به شدت شاد و جذاب هستند، اما نقش بعضی از عناصر مانند پرنده، به هیچ‌وجه مشخص و معلوم نیست.



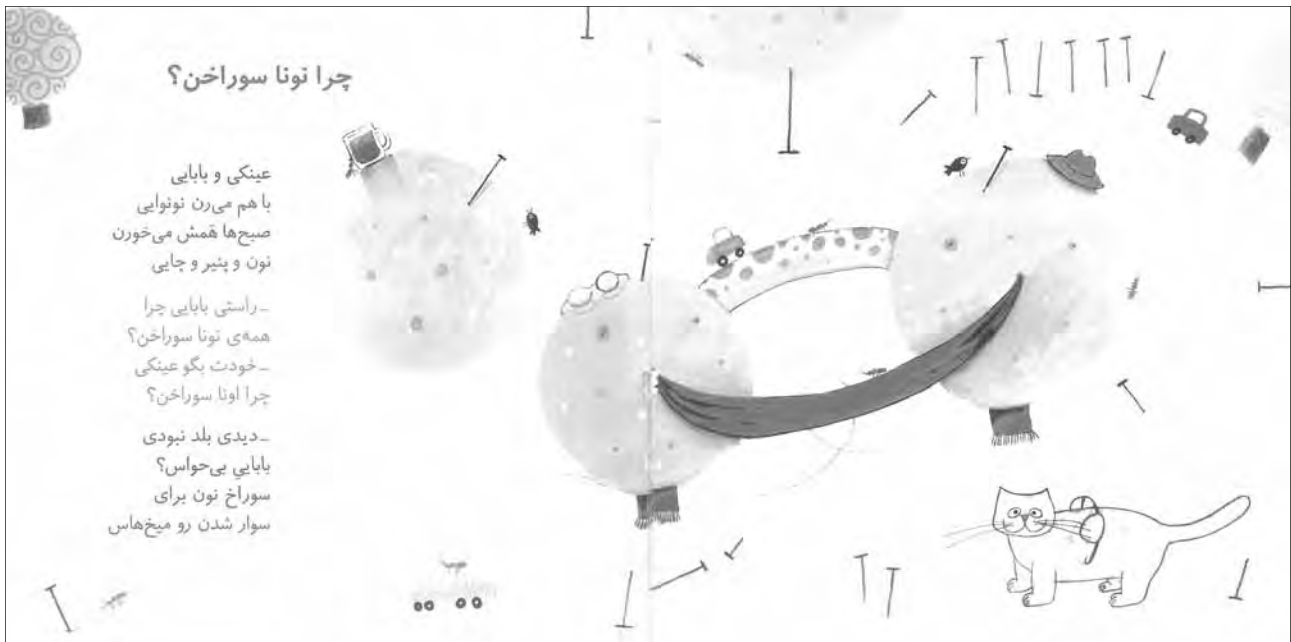
تصویر ۶

ساختار ترکیب‌بندی در فریم بعد (تصویر ۶)، (با موضوع «کاش خونه‌مون در نداشت»)، تغییر می‌کند و بعضی از عناصر با تغییر زاویه دید طراحی می‌شوند؛ مانند گریه که نقش مهمی در کادر دارد. در این فریم، شخصیت اصلی حذف شده و نیست و فقط بخشی از کفش‌های او از زیر در معلوم است که به نظر می‌رسد. تصویرگر، رابطه خوبی با این بخش از شعر برقرار کرده و کنجکاوی مخاطبش را درست در نظر گرفته است.

تصویر ۷



فریم بعد (تصویر ۷) که «فرشته مثل مامان» نام دارد، موضوع هم‌چنان که از عنوان برمی‌آید، فرشته است و توضیحی از زیبایی فرشته و تشبیهش به عروس، صورتی مانند مهتاب و مهربانی او. تصویرگر هم‌چنان از عنصر جذابی از متن، مثل زرافه استفاده می‌کند و تخیل کودک را وا می‌دارد تا بخشی از شعر را با مفهوم خواب پیوند بزند. تصویر فرشته تصویری متفاوت از یک انسان نیست؛ هر چند در شعر اشاره شده که فرشته مانند مامان است. اما طراحی فرشته کمی خنثی جلوه می‌کند، عنصری مانند یک نخ در تمامی فریم‌ها وجود دارد و تصویرگر هم‌چنان تأیید دارد که فضای همگونی را به مخاطبش عرضه کند. بنابراین، عناصر در تمامی کادرها تکرار می‌شوند؛ با یک تفاوت کوچک که در ترکیب عناصر، تغییر کوچکی شکل می‌گیرد. به‌طور مثال، درخت دیگر فقط درخت نیست؛ گل درخت آسمان است و تنه دو درخت، با شال گردن عینکی به هم بسته شده است که این روند، شاعرانگی تصویری را در کادر حفظ می‌کند.



عینکی و بابایی  
با هم می‌رن نونوایی  
صبح‌ها قمش می‌خورن  
نون و پنیر و چایی  
- راستی بابایی چرا  
همه‌ی تونا سوراخن؟  
- خودت بگو عینکی  
چرا اونا سوراخن؟  
- دیدی بلد نبودی  
بابایی بی‌حواس؟  
سوراخ نون برای  
سوار شدن رو میخه‌اس

### تصویر ۸

در فریم بعد (تصویر ۸) (با عنوان «چرا تونا سوراخن») به نظر می‌آید طراحی از نان که عنصر اصلی فریم است، دور از ذهن کودک باشد و شاید بهتر می‌بود به جای استفاده از فرم دایره برای نان، از فرم مثلث یا ترکیبی از مثلث، دایره استفاده می‌شد تا به لحاظ معنای تصویری، آن چیزی باشد که کودک در روزمره با آن روبه‌روست و مطابق با سؤالی که شاعر در راه آموزش و باروری تخیل کودک مطرح می‌کند: راستی بابایی چرا / همه تونا سوراخن / خودت بگو عینکی / چرا تونا سوراخن؟ / دیدی بلد نبودی / بابایی بی‌حواس / سوراخ نون برای / سوار شدن رو میخه‌اس / منظور شاعر، در واقع گذاشتن نان برای سرد شدن یا آویزان کردن نان روی دیوار است که تصویرگر، به شدت ذهن کودک را دور می‌کند از اصل موضوع و با قرار دادن عناصری که در فریم‌های قبل به اندازه کافی از آن‌ها استفاده کرده بود، راه به جایی نمی‌برد. تصویرگر می‌بایست در عین تعلیق و شاعرانگی فضای کلی، کادر را با توجه به موضوع نان تعریف می‌کرد و حس خوراکی را در سازمان‌دهی این کادر بیشتر در نگاه کودک به مفاهیم شعر نزدیک می‌کرد. حضور شال‌گردن زرافه، مورچه و گربه با این ترکیب‌بندی، کمکی به درک کودک از معانی و مفاهیم شعر نمی‌کند، بلکه او را که از موضوع دور خواهد کرد.

### تصویر ۹



عینکی با چند تا چوب  
ماشین نو می‌سازه  
شب که می‌شه، یه پارچه  
رو ماشینش می‌ندازه

اداری او کجاست؟  
یه گوشه، زیر میزه  
وسایل کارش رو  
توی کشو می‌ریزه

عینکی خیلی زود باز  
می‌آد خونه با ماشین  
داد می‌زنه: «خسته‌ام  
یه ذره ساکت باشین!»

آخرین فریم کتاب (تصویر ۹) («عینکی ماشین داره»)، شاعر قصد می‌کند کودک را در فضایی متفاوت از زندگی واقعی خویش قرار دهد و او را وارد زندگی بزرگ‌ترها می‌کند. برای این منظور، تعریفی از ماشین برای رفتن به محل کار ارائه می‌دهد و توصیفی از وسایلی دارد که بر اساس نظم باید داخل یک کمد یا کشو قرار بگیرد. در عین حال، در شعر آمده که عینکی با چند تا چوب، ماشین نو می‌سازه.

اما جنسی که برای ماشین تعریف شده یا شیوه سازمان‌دهی، در طراحی گونه دیگری است. فریم تک لت است و خطی افقی کادر را به دو قسمت تقسیم کرده که در قسمت بالا شعر نوشته شد و در قسمت پایین تصویرسازی صورت گرفته. شیوه ترکیب‌بندی در فریم آخر، کاملاً متفاوت از فریم‌های دیگر است، اما عناصر هم‌چنان بازی‌های

کلاسیک انجام می‌دهند و رابطه بین آن‌ها، کودک را در تمامی فریم‌ها در یک نتیجه تصویری شبیه به هم نگاه می‌دارد.



تصویر ۱۰

### جلد دوم: عینکی رفته بیرون / به کوچه و خیابون

در فریم اول با عنوان (تصویر ۱۰) «مدرسه گربه‌ها»، مضمون کلام کاملاً مبتنی بر تخیل کودکانه‌ای است که می‌تواند گوشه‌ای از نگاه یک کودک را بازگو کند. در حالی که تصاویر در دو صفحه، نقشی از شخصیت‌های متفاوت گربه‌ها را نشان می‌دهد که هر کدام دارای بیانگری خاصی هستند و با زاویه‌های متفاوت و حتی در نقش حیوانات دیگر مانند پرند، زرافه، فیل یا انسان دیده می‌شوند. در واقع تصویرگر با نگاه هوشمندانه‌ای بخشی از شعر را برجسته می‌کند:

کی گفته که گربه‌ها  
احمق و بی‌حواسن؟

تصویر ۱۱



در فریم بعد (تصویر ۱۱) «یه پیرمرد با خروس»، در تصویر اتوبوس دیده می‌شود با حجم تصویری زیاد به لحاظ رنگ و فرم که بخشی از آن، با افراد داخل اتوبوس در حالت‌های مختلف و همچنین حیواناتی مانند زرافه، گربه و خروس تصویر شده. در شعر آمده است:

ایستاده پیرمرد، با دو تا پای خسته  
یه آقا که خالداره، رو صندلی نشسته  
خروسه تا آقارو، رو صندلی می‌بینه  
نوک می‌زنه به کله‌ش، تاخال شو بچینه

اما هیچ‌گونه حسی از روایت کلامی در شعر، در تصویر دیده نمی‌شود و تصویرگر، به‌طور کلی اتوبوس را به تصویر می‌کشد که پُر از جمعیت است و هر کسی مشغول کار و فکری، رابطه عناصر مغشوش است و تصاویر نتوانسته‌اند مکمل فضای کلی روایت شعر در این دو صفحه باشد.



تصویر ۱۲

عنوان فریم بعدی (تصویر ۱۲) «ماهی می شه عینکی» است. ترکیب بسیار جذاب و در عین حال متفاوتی به لحاظ آرایش عناصر، با توجه به موضوع را تصویرگر در بیان هر چه بهتر مفهوم در نظر گرفته است. در طول فریم‌های بررسی شده، نکات کلیدی و یا واژه‌هایی مانند پدر، مادر، در متن شعر آمده، اما در تصویر دیده نمی‌شود. این که هر کدام از عناصر تعریف شده از پیش در کادر جدید و موضوع جدید نقشی تازه را ایفا می‌کنند و یا به شکلی متفاوت در کادر قرار می‌گیرند، بی‌تردید ذهن کودک را پرواز خواهد داد. علی‌مفاخری تصویر فیلی را در آب می‌کشد که با خرطومش به گل‌ها آب می‌دهد. شاید تعریف ادوات و وسایل شنا، مهم‌ترین نانوشته‌های متن توسط شاعر است که تصویرگر آن‌ها را هوشمندانه به کار می‌گیرد.

تصویر ۱۳



در فریم بعد (تصویر ۱۳) با عنوان «دونه و پاکت فال» آموزش به کودکان توسط شعر، کاری بسیار زیباست. عناصری توسط شاعر به کار گرفته شده است که به تنهایی بار معنایی زیادی دارند؛ مانند قفس، پرنده، اما کلماتی هم هستند که نامأنوس و ثقیل‌اند؛ مانند فال که بار معنایی آن‌ها برای کودک گروه «الف» و «ب» دشوار است. تصویرگر در این فریم، با توجه به شعر، شخصیت اصلی را در حالتی به تصویر می‌کشد که فرزندی را به روی دست‌تان خویش گرفته است. شغف و شادمانی در چهره شخصیت دیده می‌شود. گربه‌ای در پایین کادر، با تعجب خیره به او مانده است و همچنان عناصری مانند درخت و ماشین با ترکیبات رنگی جدید تکرار می‌شوند. پرنده عنصر بسیار مهمی در شعر جلوه می‌کند، اما با توجه به اثرش در شعر، بسیار کم اهمیت به تصویر کشیده شده است. در تمامی فریم‌های جلد دوم، یک پریز برق به عنوان ریزنقش در عناصری مانند پاکت، درخت، دیوار، چراغ راهنمایی و رانندگی تکرار می‌شود که ارتباط بین فریم‌ها را نشان می‌دهد، اما به لحاظ مفهومی برای کودک قابل قبول نیست. شاید استفاده از همان درخت یا ماشین، جواب بهتری برای رابطه بین فریم‌ها می‌بود.





تصویر ۱۴

### جلد سوم: عینکی رفته دریا / دوست شده با ماهیا

در واقع بعد از بررسی بصری دو جلد قبل که دو فضای داخل خانه و بیرون از خانه را به عنوان تیتراژ یا روی جلد برای ما قابل تعریف کرده بود، در جلد سوم عنوان، دارای شاعرانگی بیشتری شده است: عینکی رفته دریا / دوست شده با ماهیا. ما در دو مجموعه قبل، درک تصویری مناسبی به لحاظ مکانی از تصاویر نداریم و چون عناصری مانند درخت، ماشین و... در هر دو مجموعه تکرار می شود، فضاهای داخلی و خارجی یکسان به نظر می آیند. در اولین فریم کتاب سوم (تصویر ۱۴)، برخورد خلاقانه تری از تصویرگر مشاهده می شود. در محل تقاطع دو فریم تصویری کشیده نشده و این اولین صفحه ای است که در سه مجموعه، تصویرگر بدین گونه عمل می کند. در تصاویر قبلی، در کمترین حجم بصری یک نخ، ارتباط بین دو لت یا دو صفحه بود. در این تصویر، هارمونی بین اندازه عناصر و حتی جنس و شکل روایت بر اساس شعر متفاوت شده است، اما چشم در فریم راست می ایستد و به فریم بعدی نمی رود. بخشی از اشعار سروده شده، دست تصویرگر را برای پرداختن به تصاویر می بندد، اما برای رهایی از بند مفاهیم سنگین برای کودکان، می باید تصویرگر جریان تصویری را به سمت و سوی کلیات بکشد تا کودک دچار سردرگمی نشود، بلکه با دیدن فضای موجود و عناصر، به درک مفاهیم درست دست پیدا کند. برخورد تصویری چیزی است که بارها در کتابها و انیمیشن های اروپایی، تبدیل به کلیشه ای بصری شده است. بصری



تصویر ۱۵

روی آب (تصویر ۱۵) که درونش عکس یا نامه ای دیده می شود: «توی شیشه، یک کاغذ / یه چیزی روش نوشته / مامان می گه فکر کنم / کاغذ سرنوشته». درک کلمه سرنوشت برای کودک گروه «الف» و «ب» بسیار مشکل است. ارتباط با متن ویژگی پایداری است تا تصویرگر بتواند ضمن دست یابی به خلق اثر، در بازگویی معانی جدید، به بیان شخصی دست پیدا کند. با همه این احوال، عنصر خلاقه در تصویر نقش ویژه ای بازی نمی کند. آن چه کودک از نظام کلام شاعران و تصاویر طلب می کند، عاطفه، تخیل و موسیقی کلام و تصویر است و لذت بردن از ویژگی های آفرینش جهانی که قلمرو تخیل او را از نظر شعر و تصویر، با کلامی عامیانه یا تصاویر با ظاهری بسیار ساده، گسترش می دهد. اصلی ترین عنصر در شعر برای کودک، خیال انگیز بودن آن است و شاید اصلی ترین کار تصویرگر هم رساندن کلمات و عناصر به دنیای خیال باشد. پس هدف یکی است. تخیل در شعر و تصویر، اهمیت بسیاری دارد و چون متون و اشعار، قبل از تصویرگری مورد تأیید قرار می گیرند، نقشی که تصویرگر در تکمیل این معمای پیچیده بازی می کند، آسان نیست و تشخیص شرایط طراحی، درک و سازمان دهی عناصر و همچنین شناخت از شعر و خیال پردازی کودکان و سپس انتخاب تکنیک، از عوامل مهمی است که تصویرگر باید با درایت و شناخت و مطالعه به آن دست یابد.